

A Critique on the Article “A Glance at the Social Lifetime of the Ancient City of Saymarreh from Formation to Collapse”

Younes Yousofvand*

Abstract

Saymarreh has been one of the important cities of western Iran in the early Islamic centuries. Saymarreh City has been investigated in different aspects by scholars from the Qajar era. The result of this research has been published in many books and articles. This document criticizes and reviews one of the newest articles in regard to Saymarreh City. This article has been written by Mohsen Saadati and Hossein Naseri Someah under the name “A Glance at the Social Lifetime of the Ancient City of Saymarreh from Formation to Collapse” that has been published in the Journal of Pazhohesh-ha-ye Bastanshenasi, Iran No. 22, fall 1398. A precise review and critical evaluation of this article show that despite its strengths, it has serious shortcomings and drawbacks in terms of form and content. Despite being new, the article has no new findings and it is a repetition of previous researchers' comments about the City of Saymarreh. The time and reason for the extinction of Saymarreh City in this article is the same false hypothesis that has been expressed in the previous research.

Keywords: Archaeological Evidence, Critical Review, Historical Texts, Saymarreh.

* Assistant Professor of Archaeology, Faculty Member of Lorestan University, Khorramabad, Iran,
Yousofvand.y@Lu.ac.ir

Date received: 27/12/2022, Date of acceptance: 17/04/2023



نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی»

یونس یوسف‌وند*

چکیده

سیمره از شهرهای مهم غرب ایران در سده‌های آغازین اسلامی است که از اواخر دوره قاجار تاکنون از زوایایی مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. نوشتار حاضر به بررسی و نقد یکی از جدیدترین مقاله‌های منتشر شده درباره این شهر می‌پردازد. این مقاله با عنوان «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی» به قلم محسن سعادت‌ی و حسین ناصری صومعه در مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی/ایران شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز ۱۳۹۸ منتشر شده است. ارزیابی نقادانه مقاله نشان می‌دهد که، با وجود نقاط قوتی که دارد، از نظر شکلی و محتوایی دارای کاستی‌ها و اشکالات جدی است. ایرادهای محتوایی مقاله از دو جنبه قابل طرح است: نخست رعایت نکردن اصول اولیه تحقیق و دیگری ایرادهای عدیده علمی که باعث شده مقاله فاقد تحلیل‌ها و نتایج سنجیده‌ای از موضوع مورد بررسی باشد. با وجود جدید بودن، مقاله هیچ یافته نو و حرف تازه‌ای ندارد و مطالب آن تکرار گزارش‌های پژوهش‌گران پیشین درباره شهر سیمره است. درباره زمان و دلیل انقراض شهر (که پرسش اصلی مقاله و محور شکل‌گیری آن بوده است) اطلاعات جدیدی ارائه نشده است. زمان و دلیل مطرح شده برای انقراض شهر همان فرضیه اشتباهی است که در پژوهش‌های پیشین آمده است.

کلیدواژه‌ها: بررسی انتقادی، سیمره، شواهد باستان‌شناسی، متون تاریخی.

* استادیار باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، Yousofvand.y@Lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، گسترش آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته باستان‌شناسی باعث رشد کمی انتشارات علمی در حوزه مطالعات باستان‌شناسی شده است؛ به گونه‌ای که تعداد مجلات تخصصی این رشته از چهار یا پنج مورد در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ خورشیدی به بیش از ده مورد در سال‌های اخیر رسیده است.^۱ در برخی موارد، در این مجلات مقالاتی منتشر شده است که کاستی‌ها و اشکالات اساسی دارند و از نظر کیفی در سطح قابل قبولی نیستند.

البته روشن است که هر پژوهش علمی دارای کاستی‌هایی است و انتظار نمی‌رود که همه مقالات بی‌نقص باشند و هیچ ایرادی نتوان بر آن‌ها وارد دانست. اما، با نگاهی اجمالی به مجلات و کتاب‌های مجموعه مقالات همایش‌های برگزار شده، به مقالاتی برخورد خواهیم کرد که نه تنها اصول اولیه یک تحقیق و پژوهش علمی در آن‌ها رعایت نشده، بلکه اخلاق حرفه‌ای نیز در آن‌ها نادیده گرفته شده است.

در برخی مقالات، حاصل کار دیگران به‌عنوان نتایج پژوهش و دستاورد نویسنده در آن مقالات مطرح شده است (Mutin and Garazhian 2019). در مواردی هم از شواهد باستان‌شناسی تفسیرهای نادرست و عجولانه‌ای ارائه شده که نتایج این پژوهش‌ها و آرا و نظریات ارائه شده در آن‌ها را نیازمند بازنگری کرده است (اسدی اوجایی و دیگران ۱۳۹۸). به‌موازات رشد کمی انتشارات علمی در حوزه باستان‌شناسی در سال‌های اخیر، زمینه نقد و بررسی انتقادی این انتشارات نیز فراهم شده است.

هرچند این انتقادات در برخی موارد به‌تندی هرچه تمام‌تر بوده و بعضاً از نقد علمی فاصله گرفته است (عبدی ۱۳۹۵)، موارد متعددی هم هستند که در آن‌ها منتقدان به‌دور از هرگونه جنجال غیرعلمی به واکاوی نقاط ضعف و قوت کتب و مقالات منتشر شده پرداخته‌اند (لباف‌خانیک ۱۳۹۶؛ حسین‌زاده ساداتی ۱۳۹۸؛ علی‌بیگی ۱۳۹۹). بی‌تردید، باز شدن فضای نقد و بررسی نقادانه در حوزه باستان‌شناسی، به‌موازات رشد کمی انتشارات این حوزه، باعث اصلاح نقاط ضعف و رشد کیفی انتشارات آتی خواهد شد.

سیمره از شهرهای مهم غرب ایران در بازه زمانی اواخر دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی است که نام آن به‌همراه شهر سیروان و ایالت‌های مهرجان‌قذق و ماسبذان در متون تاریخی سده‌های نخست تا میانه اسلامی آمده است. این شهر از اواخر دوره قاجار تاکنون مورد توجه پژوهش‌گران مختلفی قرار گرفته و مطالب متعددی درباره آن منتشر شده است.

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسف‌وند) ۸۷

در اغلب پژوهش‌های پیشین، فرضیات مطرح‌شده درباره این شهر و به‌ویژه تاریخ و دلیل متروکه‌شدن آن برپایه گزارش‌های پراکنده متون تاریخی استوار است (لک‌پور ۱۳۸۹؛ مظاهری و دیگران ۱۳۹۳). هرچند گزارش‌های متون تاریخی و جغرافیای تاریخی در بازشناسی و ارائه سیمای واقعی‌تر شهرهای دوران اسلامی ایران بسیار به‌کار می‌آید، پذیرش این گزارش‌ها بدون صحت‌سنجی و ارزیابی آن‌ها با شواهد باستان‌شناختی گم‌راه‌کننده است.

در جستار پیش رو به بررسی و نقد یکی از جدیدترین مقالات نوشته‌شده درباره شهر سیمره پرداخته می‌شود که در آن، مانند اغلب پژوهش‌های انجام‌شده درباره شهر سیمره، گزارش‌های متون تاریخی مبنایی برای فرضیه‌پردازی درخصوص آغاز و سرانجام این شهر بوده است. در جستار پیش رو، تلاش شده است، با نقد شکلی و محتوایی این مقاله، ضمن مشخص کردن نقاط قوت و ضعف آن، بر اهمیت بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر متون تاریخی و لزوم سنجش و ارزیابی گزارش‌های آن‌ها با شواهد باستان‌شناسی در هنگام مطالعه شهرهای تاریخی تأکید شود.

۲. معرفی مقاله موردنقد

این مقاله با عنوان «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی» به‌قلم محسن سعادت‌ی و حسین ناصری صومعه در مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران شماره ۲۲، دوره نهم، پاییز ۱۳۹۸ منتشر شده است. مقاله در هفده صفحه مصور تنظیم شده است و، به روال معمول مقالات علمی مجلات فارسی، شامل بخش چکیده، مقدمه (شامل بیان مسئله، اهداف و ضرورت تحقیق، پرسش‌ها و فرضیات تحقیق، و روش پژوهش)، پیشینه پژوهش، بدنه تحقیق شامل بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی (در دو زیرعنوان الف) بسترهای جغرافیایی و ب) بسترهای تاریخی)، شواهد باستان‌شناختی، اطلاعات زمین‌شناختی، و نتیجه‌گیری است.

پس از نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری و پی‌نوشت‌ها و پس‌از آن کتاب‌نامه در دو بخش فارسی و انگلیسی آمده است. مهم‌ترین موضوع موردبحث در مقاله، آن‌گونه که در مقدمه آن آمده، بررسی نقش شهرها در تحولات اجتماعی و تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای دوران ساسانی و اسلامی است. پرسش‌های اصلی مقاله از این قرار است: ۱. وضعیت سکونت در شهر سیمره چگونه است و به چه زمانی می‌رسد؟ ۲. باوجود اهمیت و موقعیت جغرافیایی

سیمره، باتوجه‌به اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی، و داده‌های باستان‌شناسی، علت اصلی متروک‌شدن سیمره چیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها فرضیه‌ای مطرح نشده است. هدف تحقیق در زیرعنوان اهداف و ضرورت پژوهش، مشخص‌کردن زمان ایجاد شهر سیمره، و تغییرات احتمالی‌ای که در طی شکل‌گیری آن رخ داده و مشخص‌کردن علت اصلی نابودی شهر باتوجه‌به داده‌های زمین‌شناسی، متون تاریخی، و شواهد باستان‌شناسی بیان شده است. در این بخش، مطلبی درباره‌ی ضرورت اجرای تحقیق مطرح نشده، اما در مقدمه بیان شده است که حیات اجتماعی و سیاسی شهر سیمره در دوره ساسانی و اسلامی و حجم انبوه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی درخصوص این شهر ضرورت مطالعه آن را فراهم کرده است. روش گردآوری اطلاعات میدانی و کتاب‌خانه‌ای و رویکرد پژوهش هم توصیفی تاریخی - تحلیلی بیان شده است. آنچه این مقاله به‌عنوان نتیجه به آن رسیده است ویران و نابودشدن یک‌باره شهر سیمره بر اثر زلزله در ۲۵۸ ق است.

۳. شهر سیمره در یک نگاه

شهر تاریخی سیمره، که در برخی منابع با ضبط صیمره نیز آمده است (حموی ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹؛ ابن‌فقیه ۱۳۰۲: ۲۳؛ حدود‌العالم ۱۳۴۲: ۴۰۶)، از مهم‌ترین شهرهای ناحیه غربی ایران در محدوده زمانی اواخر دوره ساسانی و سده‌های آغازین اسلامی است (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۶؛ ابوالفداء ۱۳۳۲: ج ۱، ۱۶۴؛ ابن‌وردی ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲۶؛ بلاذری ۱۴۱۲: ۳۵۳). بخش اعظم اطلاعات موجود درمورد این شهر از متون تاریخی به‌دست آمده است. متون تاریخی، ضمن توصیف جنبه‌های مختلفی از این شهر، از آن به‌عنوان مرکز ولایت مهرجان‌قذق یاد کرده‌اند که در همسایگی ولایت ماسبذان با مرکزیت شهر سیروان/ شیروان در ایالت جبال قرار داشته است (ابن‌خردادبه ۱۸۸۹: ۴۱، ۲۴۴؛ ابن‌رسته ۱۲۷۹: ۲۶۹-۲۷۰؛ استخری ۱۳۴۰: ۱۶۴؛ مسعودی ۱۳۴۶: ۴۹، ۳۵۳؛ ابن‌حوقل ۱۳۱۵: ۳۶۱-۳۶۲).

باتوجه‌به اشارات پراکنده متون تاریخی و شواهد ضعیف باستان‌شناسی، حیات این شهر، به‌احتمال‌زیاد، از اواخر دوره ساسانی آغاز شده و پس از یک دوره حیات پُرونوق، در اواخر سده‌های آغازین اسلامی، به‌دلایل نامشخصی متروکه شده است. به‌واسطه کثرت اشارات متون تاریخی به سیمره و حجم زیاد بقایای معماری مربوط به سده‌های آغازین اسلامی باقی‌مانده از

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسف‌وند)» ۸۹

آن، از اواخر دوره قاجار به بعد، مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته و تاکنون مطالب زیادی درباره آن منتشر شده و البته موارد مبهم زیاد دیگری هم در مورد آن هم‌چنان باقی مانده است.

۴. پیشینه پژوهش‌های شهر سیمره

مطالب منتشر شده درباره شهر سیمره را می‌توان در دو دسته تقسیم کرد: نخست، مطالب منتشر شده توسط باستان‌شناسان و پژوهش‌گران غیرایرانی؛ دوم، مطالب منتشر شده توسط پژوهش‌گران ایرانی. گروه نخست عمدتاً در سال‌های قبل از انقلاب منتشر شده‌اند. در آن دوره، پژوهش‌گرانی از کشورهای غربی، که اغلب مأمور سیاسی دول خارجی در ایران بودند، مشاهداتشان را از خرابه‌های شهر سیمره در حاشیه کتبی که حاصل سفرهای آن‌ها در ایران بوده است منتشر کرده‌اند (راولینسون ۱۳۳۶: ۹، ۱۷، ۳۹؛ چریکف ۱۳۵۸: ۱۰۰؛ De Morgan 1896: 365-370؛ برای آگاهی بیشتر، بنگرید به دمورگان ۱۳۳۹: ۱۶، ۲۱، ۲۵۰؛ Stein 1940: 206-208؛ Schmidt 1989: 11, 53-54).

دسته دوم فعالیت‌هایی است که پژوهش‌گران ایرانی و عمدتاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی انجام داده‌اند. در مقایسه با دسته اول، این فعالیت‌ها هدف‌مندتر بوده و در آن‌ها محور اصلی پژوهش شهر سیمره بوده است (ایزدپناه ۱۳۵۰: ۴۶۸-۴۷۴؛ قره‌چانلو ۱۳۶۰: ۳۱-۵۲؛ عباسی ۱۳۸۳). مطالعات شهر سیمره از ۱۳۶۲ ش با تعیین حریم آن توسط سیف‌الله کام‌بخش‌فرد وارد مرحله جدیدی شد. پس‌از آن، تا ۱۳۸۸ ش در چند نوبت کاوش‌هایی در آن انجام شد (لک‌پور ۱۳۸۹: ۱۲۵؛ فریادیان ۱۳۸۸).

نتیجه همه این فعالیت‌ها در قالب گزارش، مقاله، و کتاب منتشر شده است (کام‌بخش‌فرد ۱۳۶۸؛ لک‌پور ۱۳۸۴؛ فریادیان ۱۳۸۸؛ لک‌پور ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر، تحقیقاتی درباره شهر سیمره انجام شده است. در این تحقیقات یا از منظر جغرافیای تاریخی و بررسی متون تاریخی به این شهر توجه شده است (اسماعیلی و علی‌بیگی ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۴۱؛ مظاهری و دیگران ۱۳۹۳: ۹۷-۹۸؛ گراوند و زینی‌وند ۱۳۹۳: ۴۷۳-۴۸۴) یا به مطالعه یافته‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی شهر (سفال، گچ‌بری، و...) پرداخته شده است (فیضی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۵۲؛ یوسف‌وند و میری ۱۳۹۴: ۳۵-۴۶؛ مینی و دیگران ۱۳۹۷: ۶۱-۷۲).

برخی پژوهش‌ها هم رویکردی ترکیبی در پیش گرفته‌اند (یوسف‌وند و کرم‌زاده ۱۳۹۹: ۱۵۱-۱۷۲؛ شریفی‌نیا و شاکرمی ۱۳۹۶؛ زارعی و شریفی‌نیا ۱۳۹۸: ۶۷-۹۲). در مدخل سیمره

(صیمره) در دانش‌نامه جهان اسلام به قلم عباس احمدوند نیز شرح مختصری از جغرافیای تاریخی سیمره و نابودی آن براساس متون تاریخی آمده است (احمدوند ۱۳۹۷: ذیل مدخل «سیمره»). این شهر موضوع دو پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نیز بوده است (یوسف‌وند ۱۳۸۹؛ سعادت‌تی ۱۳۹۴).

مقاله موردنقد در جستار پیش رو از جدیدترین پژوهش‌های منتشرشده درباره شهر سیمره است که در ادامه، با ارزیابی آن از نظر شکلی و محتوایی، به بررسی نقاط قوت و ضعف آن پرداخته می‌شود.

۵. نقد شکلی مقاله

از نظر شکلی، مقاله در هفت بخش تنظیم شده و برای هر بخش سرعنوان‌های مجزا انتخاب شده است. عنوان انتخاب‌شده برای مقاله کوتاه، گویا، و مناسب است. متن مقاله، به غیر از چند مورد، در مجموع با بیانی روان نوشته شده است. در متن مقاله، در مجموع، پنج تصویر، یک نمودار، و یک جدول استفاده شده است که هر یک زیرنویس خود را دارد و در متن مقاله هم به آن‌ها ارجاع داده شده است.

تصویر ۱ دورنمای شهر سیمره است. زاویه انتخاب‌شده برای عکاسی نامناسب است؛ به گونه‌ای که زاویه نامناسب و عدم جای‌گیری مناسب عکاس باعث شده است که شهر امروزی دره شهر در جلوی تصویر و بقایای شهر سیمره در پس‌زمینه قرار بگیرد. بهتر بود زاویه عکاسی به گونه‌ای انتخاب می‌شد که محوطه تاریخی در جلوی تصویر و شهر امروزی دره شهر در پس‌زمینه یا انتهای تصویر قرار بگیرد. این امر، ضمن آن‌که باعث می‌شد محوطه تاریخی و جزئیات آن بهتر دیده شود، رابطه محوطه تاریخی با شهر امروزی دره شهر را مشخص‌تر نشان می‌داد.

تصویر کیفیت مناسبی ندارد و خرابه‌های شهر سیمره در آن دیده نمی‌شود. اگر تصویر از زاویه مناسب و با کیفیت مناسب‌تری تهیه می‌شد، یقیناً در درک بصری از موقعیت و چشم‌انداز شهر سیمره به مخاطب مفیدتر بود. تصویر ۲ تصویر هوایی شهر سیمره است که در دهه ۱۹۴۰ میلادی اشمیت آن را تهیه کرده است. این تصویر به خوبی بقایای شهر سیمره در حاشیه دره شهر را نشان می‌دهد. تصویر از کیفیت مناسبی برخوردار است، اما نه جهت شمال آن مشخص است، نه مقیاس دارد. به همین دلیل، اندازه بناها و فضاها را مشخص نیست و موقعیت آن‌ها نسبت به جهات اصلی جغرافیایی نامشخص است.

تصویر ۳ چند نمونه از ظروف سفالی به دست آمده از شهر سیمره را نشان می‌دهد. کیفیت پایین تصویر و نور زیاد باعث شده است تا جزئیات تزئینی سفال‌ها به خوبی مشخص نباشد. سفال‌ها با اعداد انگلیسی شماره گذاری شده‌اند. به جای اعداد انگلیسی، بهتر بود شماره گذاری با اعداد فارسی انجام می‌گرفت. نمودار ۱ به دوره بندی شهر سیمره بر اساس سفال‌های به دست آمده از این شهر اختصاص دارد. در این نمودار، به طور خلاصه سفال‌های به دست آمده از شهر سیمره به سه دسته تقسیم شده است: ساسانی، اسلامی، و نامشخص. بر این اساس، فراوان‌ترین سفال‌های سیمره سفال‌های اسلامی هستند.

در جدول ۱ به مقایسه تصویری تزئینات گچ‌بری شهر سیمره با نمونه‌های محوطه‌های داخل و خارج از ایران پرداخته شده است. این جدول سه صفحه از حجم مقاله را به خود اختصاص داده است. در این جدول، طرح گچ‌بری‌های شهر سیمره با تصاویر نمونه‌هایی از گچ‌بری‌های محوطه‌های داخل کشور و خارج از ایران مقایسه شده‌اند. طرح‌های انتخاب شده کیفیت مناسبی ندارند و جزئیات نقوش تزئینی در آن‌ها مشخص نیست. با توجه به این که تصاویر مقیاس ندارند، اندازه نقوش در آن‌ها مشخص نیست. این بخش با موضوع اصلی مقاله ارتباط چندانی ندارد و آوردن آن فقط بر حجم مقاله افزوده است (در بخش نقد محتوایی به این موضوع به تفصیل پرداخته شده است).

تصویر ۴ پلان یکی از بناهای شهر سیمره را نشان می‌دهد که کاوش‌گر آن را با عنوان «مسجد» معرفی کرده است. نه جهت شمال در آن مشخص است، نه مقیاس دارد، و نه اندازه فضاها در آن مشخص است.

تصویر ۵ محدوده زمین لغزش سیمره را روی نقشه توپوگرافی با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ نشان می‌دهد. تصویر کیفیت مناسبی ندارد. بهتر بود، به جای آن، از تصاویر ماهواره‌ای مناسب‌تر استفاده می‌شد. در توضیحات مربوط به زیرنویس عکس، مقیاس به شکل عددی نوشته شده است. در این گونه موارد، معمولاً، مقیاس به شکل خطی نوشته می‌شود تا، در صورت کوچک یا بزرگ شدن تصویر، اندازه جزئیات داخل تصویر مشخص باشد.

در مجموع تصاویر، جدول‌ها، و نمودارهای استفاده شده در مقاله کم است و بیش‌تر آن‌ها کیفیت مناسبی ندارند. جای گذاری تصاویر در متن به دقت انجام نشده است. تصاویر مربوط به شواهد باستان‌شناسی در داخل توضیحات مربوط به بسترهای تاریخی قرار گرفته است. بهتر آن بود که تصاویر هر بخش در داخل متن مربوط به آن و بلافاصله پس از اتمام متن قرار می‌گرفت. چیدمان بخش‌های مقاله، به خصوص در بخش بدنه تحقیق، نظم مناسبی ندارد. بهتر بود بدنه

تحقیق به سه بخش، ۱. شکل‌گیری، ۲. رشد و توسعه، ۳. فروپاشی، تقسیم می‌شد و شهر در این سه سطح با استناد بر اطلاعات متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی بررسی می‌شد.

۶. نقد محتوایی اثر

این مقاله از نظر محتوایی کاستی‌ها و نواقصی دارد که در چند محور اصلی به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱.۶ عدم انطباق عنوان با متن مقاله

هرچند عنوان انتخاب‌شده برای مقاله کوتاه، گویا، و مناسب است، با بررسی محتویات مقاله مشخص می‌شود که عنوان مقاله با محتویات آن هم‌خوانی ندارد. متن مقاله توصیف روشنی از عنوان را ارائه نمی‌دهد. عنوان مقاله به حیات اجتماعی شهر سیمره اشاره دارد، اما متن مقاله بیش‌تر از آن‌که به حیات اجتماعی شهر بپردازد، به توصیف متون تاریخی شهر سیمره و شرح برخی از یافته‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی این شهر پرداخته است.

حیات اجتماعی با حیات فیزیکی و کالبدی شهر تفاوت دارد. در بررسی حیات اجتماعی یک شهر لازم است به ویژگی‌های اجتماعی شهر، جوامع ساکن در شهر، و مناسبات آن‌ها با هم و با دیگر جوامعی که با آن‌ها در ارتباط بوده‌اند توجه شود، اما نگارندگان از این مهم غفلت کرده و بر حیات فیزیکی و کالبدی شهر، آن هم به‌شکل ناقص، متمرکز بوده‌اند. در مقاله، درباره شکل‌گیری شهر سیمره، رشد، و گسترش آن بحثی نشده است.

در مطالعات باستان‌شناسی، به‌طور معمول، حیات یک شهر در سه سطح ۱. شکل‌گیری، ۲. رشد و توسعه، ۳. افول و فروپاشی قابل‌بررسی است. در مقاله هیچ‌یک از این موضوعات با استناد بر شواهد موجود (باستان‌شناسی، قرائن تاریخی، و اطلاعات زمین‌شناسی) تجزیه و تحلیل نشده است. این نقیصه به‌ویژه در مورد مرحله شکل‌گیری و مرحله رشد و توسعه شهر بیش‌تر دیده می‌شود و نویسندگان از وضعیت شهر در این مراحل توضیح روشنی ارائه نمی‌دهند. هرچند انقراض و متروکه‌شدن شهر را به زلزله نسبت داده‌اند، در این خصوص هم دلایل و مدارک کافی ارائه نشده است و فقط به برداشت‌های سطحی از متون تاریخی در این خصوص بسنده شده است (در ادامه، نظر نویسندگان درباره دلایل انقراض شهر سیمره به تفصیل بررسی و نقد شده است).

۲.۶ عدم شناخت نویسندگان با پیشینه تحقیق و تسلط‌نداشتن بر آن

نویسندگان مقاله شناخت دقیق و کاملی از پیشینه مطالعاتی شهر سیمره نداشته‌اند و فقط به چهار مورد از فعالیت‌های میدانی (کاوش و گمانه‌زنی) انجام‌گرفته درباره خرابه‌های شهر سیمره اشاره کرده‌اند. درحالی‌که از اواخر دوره قاجار تاکنون، شهر سیمره از جنبه‌های مختلف موردتوجه پژوهش‌گران قرار گرفته و مطالب فراوانی درباره آن منتشر شده است. در همین جستار و در ذیل عنوان شماره ۴ به این پژوهش‌ها اشاره شده است. نه در پیشینه تحقیق و نه در دیگر بخش‌های مقاله به این پژوهش‌ها اشاره‌ای نشده است. در واقع، ذکر پیشینه تحقیق به معنی دقیق کلمه نقد و ارزیابی پیشینه تحقیق است که ضرورت انجام‌دادن تحقیق جدید نیز در آن مستتر است. پیشینه پژوهش مقاله فاقد این ویژگی است.

عدم شناخت نویسندگان با پیشینه تحقیقاتی موضوع و تسلط‌نداشتن بر آن باعث شده است که نویسندگان ادعاهای نادرست و اشتباهی را مطرح کنند. مثلاً، در ابتدای چکیده نویسندگان مقاله آورده‌اند که «از جمله آثار باستانی استان ایلام شهرهای باستانی بوده که تاکنون بررسی علمی و باستان‌شناسانه‌ای بر روی آن‌ها انجام نگرفته است» (سعادت و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۶۳).

تقریباً بیش‌تر شهرهای تاریخی استان ایلام شناسایی و معرفی شده‌اند (یوسف‌وند و حسینی ۱۳۹۴). براساس گزارش‌های متون تاریخی شهرهای سیروان (یعقوبی ۱۸۹۱: ۳۱۹؛ ابوالفداء ۱۸۴۰: ۴۱۴)، آذیوجان (خزرجی ۱۹۷۰: ۶۴؛ مسعودی ۱۴۲۱: ۷۰)، سیمره (خزرجی ۱۳۴۲: ۶۱؛ حموی ۱۳۷۶: ج ۳، ۴۳۹)، و جولیان از شهرهای تاریخی در محدوده استان ایلام هستند. همه این شهرها شناسایی، مکان‌یابی، و معرفی شده‌اند. در این مورد، علاوه‌بر پرونده‌های ثبتی و گزارش بررسی‌ها و فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی استان ایلام، تحقیقاتی نیز در قالب پایان‌نامه، کتاب، و مقاله منتشر شده است (رجوع شود به بخش پیشینه). به نظر می‌رسد نویسندگان از این پژوهش‌ها بی‌اطلاع بوده‌اند که چنین مطلبی را مطرح کرده‌اند.

یکی دیگر از مواردی که به روشنی عدم شناخت کافی و کامل نویسندگان از پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره شهر سیمره را نشان می‌دهد آن‌جاست که نویسندگان درباره گچ‌بری‌های شهر سیمره بحث می‌کنند (سعادت و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۷۲-۱۷۵). در آن‌جا، با ارائه تصاویر و طرح‌هایی از گچ‌بری‌های شهر سیمره، به مقایسه آن‌ها با نمونه‌هایی از محوطه‌های دیگر پرداخته شده است.

پیش‌ازاین، این گنج‌بری‌ها در چند مقاله از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند که از قضا بحث اصلی آن مقالات نیز مقایسه این یافته‌ها با نمونه‌هایی از محوطه‌ها یا بناهای دیگر است (حسینی و دیگران ۱۳۹۴؛ یوسف‌وند و میری ۱۳۹۵؛ مبینی و دیگران ۱۳۹۷)، اما نویسندگان به هیچ‌یک از این مقالات اشاره نکرده‌اند. اشاره نکردن به این پژوهش‌ها می‌تواند به دو دلیل باشد: یا این‌که نویسندگان از وجود این پژوهش‌ها اطلاعی نداشته‌اند که به آن‌ها رجوع و در مقاله به آن‌ها اشاره کنند یا این‌که نویسندگان عمداً پژوهش‌های پیشین را نادیده گرفته‌اند. در هر دو حالت، این امر نقصی آشکار برای مقاله محسوب می‌شود.

۳.۶ برداشت سطحی از گزارش‌های متون تاریخی و تکرار نتایج پژوهش‌های پیشین

نویسندگان از گزارش‌های متون تاریخی که اطلاعاتی درباره شهر سیمره می‌دهند برداشت‌های سطحی داشته‌اند و این گزارش‌ها را بدون صحت‌سنجی و مطابقت با شواهد باستان‌شناسی پذیرفته و براساس آن نتیجه‌گیری کرده‌اند. در پایان چکیده، نویسندگان ادعا کرده‌اند: «در نتیجه، برمبنای متون تاریخی و جغرافیایی، داده‌های باستان‌شناسی و اطلاعات زمین‌شناسی مردم‌مطالعه و بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که شهر در قرون اولیه اسلامی در سال ۲۵۸ ق در اثر زلزله‌ای به‌صورت کلی ویران و نابود می‌شود» (سعادتی و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۶۳).

جدای از ایراد نگارشی که در این جمله وجود دارد، مشخص است که این نتیجه‌گیری براساس بررسی و مطالعه دقیق متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی به‌دست نیامده است. این موضوع در کتاب *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر مطرح شده* که در این‌جا نیز عیناً تکرار شده است (لک‌پور ۱۳۸۹: ۱۱۲). در متون تاریخی به وقوع دو زلزله در طی حیات شهر سیمره اشاره شده است: یکی در ۲۵۸ هـ که ابن‌اثیر (۱۳۸۵: ۴۳۱۶) گزارش آن را داده و مقدسی (۱۹۰۶: ۳۸۴) هم به آن اشاره کرده است. زلزله دوم در ۳۴۴ هـ بوده که مسعودی (۱۸۹۳: ۴۸) به آن اشاره کرده است.

گزارش متون تاریخی درباره وقوع زلزله در شهر سیمره مبنایی برای ارائه فرضیه متروکه‌شدن این شهر بر اثر زلزله بوده است. این فرضیه در پژوهش‌های پیشین مطرح و در مقاله مورد نقد در این جستار نیز تکرار شده است. هرچند، در حال حاضر، شواهد باستان‌شناسی موجود وقوع زلزله در شهر سیمره را تأیید نمی‌کنند، با استناد به گزارش‌های متون تاریخی

می‌توان گفت احتمالاً زلزله در شهر سیمره رخ داده است، اما در این‌که این زلزله‌ها باعث متروکه شدن شهر سیمره شده است تردید جدی وجود دارد. فرضیه متروکه شدن شهر سیمره بر اثر زلزله در صورتی پذیرفتنی است که، علاوه بر گزارش متون تاریخی، با استفاده از شواهد متقن دیگری (هم‌چون شواهد باستان‌شناسی و زمین‌شناسی) نیز تأیید شود.

این‌اثیر یکی از منابع دست‌اولی است که به وقوع زلزله در شهر سیمره اشاره کرده است. وی به کشته شدن بیست هزار نفر بر اثر زلزله سال ۲۵۸ ق در شهر سیمره اشاره می‌کند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا شواهد باستان‌شناسی وقوع زلزله‌ای به این شدت در شهر سیمره را تأیید می‌کنند. در سال‌های گذشته، در بخش‌های مختلف شهر، هم‌چون خانه‌های مسکونی در شمال شهر، فضاهای تجاری در شمال شهر، بخش مسکونی در مرکز شهر، بخش تجاری در جنوب شهر (بازارچه)، و هم‌چنین مسجد شهر، کاوش‌های گسترده‌ای انجام گرفته است که در نتیجه آن بخش درخور توجهی از شهر آشکار شده است، اما تاکنون هیچ‌گونه شواهدی از قبیل اسکلت و اثاثیه مدفون در زیر آوار، که نشان‌دهنده وقوع زلزله‌ای مهیب باشد، به دست نیامده است.

بعید به نظر می‌رسد که همه این بخش‌ها در هنگام وقوع زلزله خالی از جمعیت بوده باشند. پذیرش وقوع زلزله‌ای مهیب و متروکه شدن همیشگی شهر بر اثر آن، گذشته از اشارات متون تاریخی، نیازمند شواهد بیش‌تر و موثق‌تری هم‌چون وجود اموات یا اشیا و اثاثیه مدفون در زیر آوار است که تاکنون از سیمره به دست نیامده است. در کاوش‌های شهر سیمره شواهد زمین‌شناسی در برش دیواره‌های کاوش، آوارها، و ویرانی‌های شدید، که نشان‌دهنده وقوع زلزله‌ای مهیب در این شهر باشد، به دست نیامده است.

نکته دیگر این‌که مگر شهر سیمره در آن زمان چقدر جمعیت داشته است که بیست هزار نفر از آن‌ها بر اثر زلزله کشته شدند؟ فرض شود که بیست هزار نفر از جمعیت شهر بر اثر زلزله کشته شده‌اند. با احتمال این‌که بخشی از جمعیت شهر نیز توانسته‌اند از زلزله جان سالم به‌در برند، بنابراین، جمعیت شهر می‌بایست بیش‌تر از بیست هزار نفر بوده باشد، مثلاً چیزی حدود سی تا چهل هزار نفر. اما آیا شهر سیمره گنجایش چنین جمعیتی را داشته است؟ بعید به نظر می‌رسد جمعیت شهر سیمره در آن زمان در این حد بوده باشد.

گزارش متون تاریخی درباره حوادث و اتفاقات رخ داده در شهر سیمره در سال‌های بعد از تاریخ‌های بیان‌شده برای وقوع زلزله‌ها، هم‌چون حمله ابراهیم ینال به شهر و کشتار مردم و غارت شهر در ۴۳۷ ق (ابن‌اثیر ۱۳۸۵: ج ۹، ۵۳۹)، نشان‌دهنده تداوم حیات شهر سیمره در سال‌های پس از زلزله‌هاست. ابودلف (۱۳۴۲: ۶۱)، که در قرن چهارم هجری به منطقه و شهر

سیمره سفر کرده است، نه تنها به خرابی شهر و آثار ناشی از زلزله اشاره‌ای نکرده، بلکه رونق و حیات شهر سیمره در آن زمان را متذکر شده است.

موارد بالا در کنار وجود سکه‌هایی از شهر سیمره مربوط به اواخر قرن چهارم، یعنی تاریخ ۳۹۷ ق (قوجانی ۱۳۷۴: ۶۰، تصویر ۴۲، ۴۳) و اذعان کاوش‌گر شهر سیمره در صفحه ۱۱۳ کتاب گزارش کاوش‌های سیمره به ادامه حیات شهر تا نیمه قرن چهارم هجری (یعنی حدود ۳۵۰ هـ)، نادرستی فرضیه ویران و متروک شدن یکباره شهر سیمره در ۲۵۸ ق بر اثر زلزله را نشان می‌دهد.

بنابراین، هرچند، با استناد بر اشارات متون تاریخی، وقوع زلزله در نیمه قرن سوم (۲۵۸ ق) و قرن چهارم (۳۴۴ ق) در محدوده ولایت مهرجان‌قذق و احتمالاً شهر سیمره پذیرفتنی است، روشن است که این زلزله‌ها به این شدتی که متون تاریخی اشاره کرده‌اند نبوده است و احتمالاً متون تاریخی در این خصوص اغراق کرده‌اند. شواهد موجود نشان‌دهنده مسکون بودن شهر سیمره در سال‌های پس از زلزله سال ۲۵۸ ق و زلزله سال ۳۴۴ ق است. این موضوع بیان‌گر این است که، حتی در صورت وقوع زلزله، ساکنان شهر پس از زلزله‌ها به پاک‌سازی و بازسازی خرابی‌های ناشی از زلزله اقدام کرده‌اند و شهر پس از زلزله به حیات خود ادامه داده است.

پیش‌نهاد نویسندگان مبنی بر ویرانی یکباره شهر سیمره بر اثر زلزله سال ۲۵۸ ه فقط برداشتی سطحی از گزارش‌های متون تاریخی و تکرار نظرهای پژوهش‌گران پیشین است. شهر سیمره احتمالاً بر اثر عوامل دیگری، که جای بحث آن در این جا نیست، متروک شده است.

۴.۶ اتکا بر شواهد غیرمرتبط در جهت تأیید فرضیه تحقیق

نویسندگان برای تأکید بر وقوع زلزله در شهر سیمره به نتایج مطالعات زمین‌شناسی متوسل شده و با استناد بر آن تلاش کرده‌اند تخریب شهر سیمره بر اثر زلزله را قطعی و حتمی جلوه دهند. در این خصوص، نویسندگان به یک حادثه طبیعی اشاره و از آن با نام «زمین‌لرزه» یاد کرده و آن را بزرگ‌ترین زمین‌لرزه رخ داده روی کره زمین دانسته‌اند (سعادتی و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۷۵). اینان این حادثه را با زمین‌لرزه حادث شده در محدوده شهر سیمره در قرن سوم هجری (که متون تاریخی گزارش آن را داده‌اند) یکی دانسته‌اند.

پیش از نویسندگان مقاله مورد نقد در این جستار، این حادثه طبیعی، باتوجه به وسعت و ویژگی‌های خاص آن، مورد توجه پژوهش‌گران متعددی در حوزه‌های زمین‌شناسی و

باستان‌شناسی قرار گرفته است. این حادثه در کوه گُور/ کُور (کبیرکوه) در پانزده کیلومتری جنوب شهر پل‌دختر و در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب غرب خرابه‌های شهر سیمره رخ داده است. نگاهی گذرا به مطالب منتشر شده درباره این حادثه زمین‌شناسی نشان می‌دهد که اولاً این حادثه یک زمین‌لغزش بوده است، نه زلزله؛ درثانی زمان وقوع آن دوره نوسنگی بوده است، نه سال ۲۵۸ ق، آن‌گونه که نویسندگان مقاله تصور کرده‌اند (همان: ۱۷۵، ۱۷۶).

نتایج آزمایش‌های رادیوکربن انجام‌گرفته روی نمونه‌های به‌دست‌آمده از محدوده این زمین‌لغزش نشان‌دهنده وقوع آن در محدوده زمانی بین ۸۷۱۰ تا ۹۸۰۰ سال قبل است (Roberts and Evans 2013: 685). مطالعات باستان‌شناسی انجام‌گرفته روی محوطه‌های موجود در محدوده این زمین‌لغزش نیز نتایج مطالعات آزمایشگاهی را تأیید می‌کنند و نشان‌دهنده وقوع این حادثه در آغاز دوره هولوسن هم‌زمان با اوایل دوره نوسنگی است؛ یعنی حدود ۱۰ هزار سال قبل از میلاد (مظاهری ۱۳۹۵: ۱۵۸). بنابراین، زمین‌لغزش بزرگ سیمره با فروپاشی شهر تاریخی سیمره هیچ ارتباطی نداشته است.

ادعا شده است که «مطالعات زمین‌شناسی انجام‌شده بر روی گسل‌های منطقه نشان‌دهنده میزان شدت بالای زلزله بوده که خود باعث تخریب سطح وسیعی از بناهای شهر شده است» (سعادت و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۷۶). مشخص نیست منظور نویسندگان کدام مطالعات است و چرا منبع آن ذکر نمی‌شود. در ادامه همین مطلب باز تکرار شده است که منطقه‌ای که شهر باستانی سیمره در آن قرار دارد روی خط زلزله قرار گرفته است. شاید این موضوع درست باشد و منطقه‌ای که سیمره در آن واقع شده است روی خط زلزله قرار داشته باشد، اما مشخص نیست که چرا نویسندگان منبع این مطالعات را ذکر نمی‌کنند. حتی اگر این ادعا درست باشد و شهر سیمره روی خط زلزله قرار داشته باشد، صرف این‌که شهر روی خط زلزله قرار دارد، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند متروکه‌شدن شهر سیمره بر اثر زلزله را اثبات کند.

۵.۶ ارائه اطلاعات نادرست

به‌هنگام توضیح موقعیت شهر سیمره در زیر سرعنوان بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی الف) بسترهای جغرافیایی گفته شده است: «کوه‌های مله یا مله‌افتو در حدود ده‌کیلومتری شمال و شمال شرق دره‌شهر با ارتفاع ۱۹۵۰ متر واقع است» (همان: ۱۶۶). در شمال شهر سیمره فقط یک کوه وجود دارد و آن کوهی است که از شرق به غرب به‌طول بیست کیلومتر امتداد دارد و املائی درست آن هم مَه‌لَه است (تصویر ۱).

در توضیح نام کوه مله‌افتو در پی‌نوشت ۲، نویسندگان اظهار کرده‌اند که این عبارت در زبان محلی یعنی «گردنه آفتاب». این توضیحات با کوهی که در سمت شمال و شمال شرق سیمره قرار دارد مطابقت ندارد و در شمال و شمال شرق خرابه‌های شهر سیمره کوه یا گردنه‌ای به این نام وجود ندارد. این موضوع نشان می‌دهد که نویسندگان شناخت دقیقی از جغرافیای منطقه نداشته و آن‌گونه که ادعا کرده‌اند بازدید میدانی از منطقه نداشته‌اند.



تصویر ۱. تصویر ماهواره‌ای از موقعیت شهر سیمره (Google Earth)

ادعا شده است که «واقع شدن شهر سیمره در حدفاصل چهار پایتخت بزرگ ایران باستان، یعنی شوش، تخت‌جمشید، هگمتانه، و تیسفون، و لزوم ارتباط بین این شهرها زمینه ایجاد جاده‌ها و راه‌ها را فراهم کرده است» (همان: ۱۶۷). هرچند از نظر موقعیت ارتباطی شهر سیمره در زمان خود در یک موقعیت مناسب ارتباطی در مسیر شهرهای شمال خوزستان به مناطق غرب ایران بوده است، بعید به نظر می‌رسد راهی که به تخت‌جمشید و هگمتانه منتهی می‌شده است از سیمره عبور کرده باشد. این شهرها از نظر زمانی با سیمره هم‌زمان نبوده‌اند و در زمان حیات شهر سیمره متروکه بوده‌اند (سامی ۱۳۳۰؛ تجویدی ۱۳۵۵؛ ملازاده ۱۳۹۳: ۸۱-۸۲).

در بخش شواهد باستان‌شناختی، نویسندگان ادعا کرده‌اند که سبک معماری و مصالح مورد استفاده، سیستم شهری، و شهرسازی سیمره نشان‌دهنده نمونه‌های شاخص دوره ساسانی است (سعادت‌ی و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۷۰). هرچند در فنون و شیوه‌های ساخت و برخی عناصر معماری هم‌چون نوع طاق‌های به‌کاررفته در پوشش برخی بناهای شهر سیمره

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۹۹

شباهت‌هایی با معماری دوره ساسانی وجود دارد، از نظر الگوی شهرسازی شهر سیمره با نمونه‌های شاخص دوره ساسانی، یعنی همان الگوی سه‌بخشی، که شامل کهندژ، شارستان، و ریض است، هیچ شباهتی ندارد (تصویر ۲). آن‌گونه که تصاویر هوایی و ماهواره‌ای نشان می‌دهد، بناهای شهر سیمره در جهت جنوب به شمال گسترش یافته‌اند و این منطبق و در ارتباط با جریان آب چشمه‌های سراب دره شهر و سراب شوره است که از جنوب به شمال جاری هستند و از عوامل و بسترهای شکل‌گیری و گسترش شهر بوده‌اند.



تصویر ۲. تصویر ماهواره‌ای بقایای شهر سیمره، گسترش یافته به موازات رودخانه سراب دره شهر از جنوب به شمال (Google Earth)

۶.۶ عدم پاسخ علمی به بخشی از سؤالات پژوهش

نویسندگان در چکیده و مقدمه ادعاهایی مطرح کرده‌اند که در ادامه مقاله در قبال آن‌ها سکوت کرده و هیچ مطلبی درباره آن‌ها نیاورده‌اند. در مقدمه بیان شده است: «نقش شهرها در تحولات اجتماعی و نیز تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای این دوره از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این مقاله است». نویسندگان توصیف روشنی از این موضوع در مقاله نداشته‌اند و در ادامه مقاله هم حتی یک جمله درباره آن، که به‌اذعان خود نویسندگان از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در مقاله است، بیان نمی‌کنند.

در بخش روش پژوهش آمده است:

در این پژوهش سعی شده است که به‌منظور کسب اطلاع از زمینه‌های شکل‌گیری و فروپاشی یک شهر باستانی و انجام یک تجزیه و تحلیل بنیادی در رابطه با زمینه‌های مناسب ایجاد شهر سیمره و نابودی آن به یک نتیجه‌ای جامع منتهی شود.

سواً از ایراد نگارشی این جمله، که درک آن را مشکل می‌کند، درخصوص این ادعا هم هیچ مطلبی در ادامه مقاله نیامده است. نویسندگان روش گردآوری اطلاعات را در دو بخش روش میدانی و روش کتاب‌خانه‌ای بیان کرده‌اند، ولی از متن مقاله کاملاً مشخص است که همه اطلاعات به‌روش کتاب‌خانه‌ای جمع‌آوری شده است و نویسندگان هیچ بررسی میدانی‌ای در خرابه‌های شهر سیمره نداشته‌اند.

۷.۶ هدف‌مند نبودن مقاله

در بخش مقدمه و در ذیل عنوان اهداف و ضرورت پژوهش آمده است: «هدف از انجام این پژوهش مشخص نمودن زمان ایجاد شهر سیمره و تغییرات احتمالی که در طول شکل‌گیری این شهر رخ داده می‌باشد». کاوش‌گر شهر سیمره، پس از انجام نُه فصل کاوش در این شهر، با اتکا بر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی و بهره‌گیری از شواهد متون تاریخی، به تفصیل به تاریخ برپایی شهر سیمره پرداخته و بحث مربوط به آن را در کتاب خود آورده است (لک‌پور ۱۳۸۹). کتاب موردنظر به کرات مورداستفاده نویسندگان مقاله قرار گرفته است (سعادت‌ی و ناصری صومعه ۱۳۹۸: ۱۶۴-۱۶۶، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۷۵). نکته درخور تأمل این‌جاست که نویسندگان با اطلاع از مطالب این کتاب هدفی را دنبال می‌کنند که پیش‌از این مؤلف کتاب مذکور به آن پرداخته است.

جالب است که نویسندگان مقاله در نهایت برای زمان ساخت شهر سیمره و تاریخ و دلیل متروکه شدن آن همان مطالب کتاب موردنظر را بی‌کم و کاست تکرار کرده‌اند. باتوجه به این‌که اهداف بیان‌شده برای پژوهش و سؤالات مطرح‌شده در مقدمه مقاله (یکی زمان ساخت شهر سیمره و دیگری دلیل فروپاشی آن) قبلاً در کتاب مورد اشاره بررسی شده است و نویسندگان هم از آن مطلع بوده‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که اساساً اجرای این پژوهش چه ضرورتی داشته و نتایج آن چه چیزی بر دانش ما درباره شهر سیمره افزوده است.

از دیگر نقدهایی که بر مقاله وارد است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

در ذیل عنوان بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی الف) بسترهای جغرافیایی، نویسندگان توضیح مختصری درباره موقعیت شهر سیمره آورده‌اند، اما از بحث بیش‌تر درباره ویژگی‌های

جغرافیایی و اقلیمی منطقه خودداری کرده‌اند. بهتر بود در این بخش استعدادهای زیست‌محیطی منطقه هم‌چون منابع آب، نوع خاک و مواد معدنی، پوشش گیاهی و جانوری، و دیگر ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، که می‌توانستند در شکل‌گیری شهر تأثیرگذار باشند، مورد‌بحث و تحلیل قرار می‌گرفت.

علاوه‌براین که در این مورد مطلبی بیان نشده است، نویسندگان، بلافاصله پس از ذکر مطالب مختصر و ناقصی از موقعیت جغرافیایی شهر سیمره، به یک‌باره به ارتباطات شهر سیمره با دیگر شهرها و مراکز استقرار هم‌عصر با سیمره هم‌چون شوش و شهرهای میان‌رودان پرداخته‌اند (همان: ۱۶۶)، اما حتی یک نمونه شاهد از متون تاریخی یا شواهد باستان‌شناسی، که نشان‌دهنده وجود این ارتباطات باشد، ارائه نکرده‌اند. مشخص نیست که نویسندگان چگونه به وجود این ارتباطات پی برده‌اند.

در زیرعنوان بسترهای تاریخی (همان: ۱۷۶)، نویسندگان به بسیاری از متون تاریخی دست‌اول، که در آن‌ها مطلبی درباره شهر سیمره آمده، اشاره کرده‌اند که این خود یکی از نقاط قوت مقاله است، اما مشخص نیست هدف از مطالب این بخش چیست. آیا منظور از بسترهای تاریخی بررسی وقایع تاریخی در شکل‌گیری و فروپاشی شهر سیمره است؟ اگر منظور و هدف از آوردن مطالب این بخش این بوده است، چرا به هیچ‌یک از وقایع و تحولات تاریخی زمان شکل‌گیری شهر سیمره اشاره نشده است؟

در بخش شواهد باستان‌شناسی، از شواهد باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از شهر سیمره به‌منظور تبیین و توضیح بحث اصلی مقاله، که همان بررسی حیات اجتماعی شهر سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی است، استفاده نشده و فقط به‌صورت توصیفی به این شواهد اشاره شده است. مثلاً، بخش زیادی از حجم مقاله (یک‌چهارم حجم آن) به تزیینات گچ‌بری به‌دست‌آمده از کاوش‌های انجام‌گرفته در برخی بناهای شهر سیمره اختصاص یافته است، اما از این شواهد و یافته‌های ارزش‌مند در جهت بحث اصلی مقاله هیچ استفاده‌ای نشده است. آوردن تصاویر و طرح‌های این گچ‌بری‌ها فقط بر حجم مقاله افزوده است. آیا یافته‌های باستان‌شناسی و این داده‌های فرهنگی نشان‌دهنده حیات پُرونق شهر سیمره و ارتباطات گسترده تجاری، فرهنگی، و هنری آن با دیگر مراکز هم‌دوره نیست؟ جای این مباحث در مقاله خالی است.

۷. نتیجه‌گیری

ارزیابی نقادانه مقاله نشان می‌دهد که این مقاله از نظر شکلی و محتوایی دارای کاستی‌ها و اشکالات جدی است که در این جستار به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد. هرچند از نظر شکلی

استفاده از تصاویر، نقشه، جدول، و نمودارها از امتیازات مقاله است، تعداد کم تصاویر، کیفیت پایین آن‌ها (به‌گونه‌ای که در بیش‌تر آن‌ها جزئیات تصاویر مشخص نیست)، و عدم جای‌گذاری مناسب آن‌ها در متن مقاله باعث شده است تا از اثرگذاری آن‌ها کاسته شود و کمکی به ارتقای مقاله نکند.

از نظر محتوایی، ایرادهای مقاله از دو جنبه قابل طرح است: نخست رعایت‌نشدن اصول اولیه تحقیق؛ دوم ایرادات علمی آن. در مقاله، اصول اولیه تحقیق، به‌ویژه درباره پیشینه پژوهش‌های انجام‌گرفته، رعایت نشده است. نویسندگان به بیش‌تر پژوهش‌هایی که پیش‌ازین در مورد شهر سیمره انجام گرفته هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند، اما جالب است که نتایج و دستاوردهای آن پژوهش‌ها در لابه‌لای مطالب مقاله دیده می‌شود. اشاره‌نکردن نویسندگان مقاله به این پژوهش‌ها می‌تواند به دو دلیل باشد: یا این‌که نویسندگان از پژوهش‌های صورت‌گرفته اطلاعی نداشته‌اند یا این‌که عمداً آن‌ها را نادیده گرفته‌اند.

بی‌تردید، مطالبی که پیش‌ازین درباره شهر سیمره منتشر شده‌اند به‌دور از خطا و کاستی نیستند و یقیناً بررسی انتقادی آن‌ها کاستی‌ها و نقاط قوت آن‌ها را آشکار خواهد کرد، اما روشن است که این فعالیت‌ها (خوب یا بد و با هر کیفیتی که انجام شده باشند) بخشی از پیشینه پژوهشی شهر سیمره به‌شمار می‌روند و نادیده‌گرفتن آن‌ها (به‌عمد یا سهو) ضعفی آشکار برای مقاله است.

نویسندگان مقاله در زمینه تجزیه و تحلیل اطلاعات متون تاریخی و بررسی صحت و سقم آن‌ها هیچ تلاش و تحقیقی انجام نداده‌اند و بدون ارزیابی و صحت‌سنجی این گزارش‌ها را پذیرفته‌اند. نویسندگان از گزارش‌های متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی برداشت‌های سطحی و نادرستی کرده‌اند و این امر باعث ارائه تحلیل‌ها و نتایج نادرستی درباره زمان و دلیل متروکه‌شدن شهر سیمره شده است. در مقاله، اطلاعات نادرستی درباره زمین‌لغزش سیمره مطرح شده است. این زمین‌لغزش زلزله و زمان وقوع آن قرن سوم هجری معرفی شده است. حال آن‌که این حادثه یک زمین‌لغزش بوده که، با توجه به نتایج آزمایش‌های رادیوکربن و شواهد باستان‌شناسی، در دوره نوسنگی رخ داده است.

به‌نظر می‌رسد ارائه این اطلاعات به این شکل برای تأیید فرضیه خرابی شهر سیمره در قرن سوم هجری بر اثر زلزله بوده است که البته، بنابر نتایج مطالعات جدید، به‌کلی مردود است. در مقاله نظرهای سیمین لک‌پور درباره دلیل و زمان متروکه‌شدن شهر سیمره تکرار و به‌عنوان نتایج پژوهش مطرح شده است. پیش‌ازین، سیمین لک‌پور، کاوش‌گر شهر سیمره، به‌اشتباه دلیل متروکه‌شدن شهر سیمره را زلزله و زمان آن را سال ۲۵۸ ق معرفی کرده است که، با توجه به

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۱۰۳

شواهد و گواهی‌هایی که پیش‌ازاین در متن مقاله آمد، این فرضیه مردود است، اما این اشتباه در مقاله تکرار شده و حتی به‌عنوان نتایج و دستاورد پژوهش مطرح شده است. عدم انطباق عنوان با متن و محتوای مقاله، ارائه اطلاعات نادرست، ازهم‌گسیختگی، و عدم انسجام مطالب از دیگر ایرادات علمی‌ای است که در مقاله دیده می‌شود.

بررسی انتقادی این مقاله اهمیت بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر متون تاریخی و صحت‌سنجی گزارش‌های آن‌ها با استفاده از شواهد باستان‌شناسی در هنگام مطالعه شهرهای تاریخی را نشان می‌دهد. انتشار مقالاتی ازاین‌دست با این همه کاستی و اشتباهات علمی در مجلات علمی معتبر زنگ خطری برای اعتبار این مجلات است و می‌طلبد که هم مسئولان مجلات در انتخاب داوران حساسیت و دقت بیشتری به‌خرج دهند هم داوران مجلات با دقت و مطالعه بیشتر به داوری مقالات پردازند.

تقدیر و تشکر

نگارنده از دکتر اسدالله جودکی عزیزی و دکتر جواد حسین‌زاده ساداتی به‌خاطر بازخوانی مقاله و کمک‌هایشان درجهت بهترشدن مقاله کمال تشکر و امتنان را دارد.

پی‌نوشت

۱. تا نیمه دهه ۱۳۸۰، مجلات تخصصی باستان‌شناسی به چند مورد مجله باستان‌شناسی و تاریخ و مجله میراث فرهنگی محدود بود. از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ و به‌ویژه در دهه ۱۳۹۰، مجلات تخصصی باستان‌شناسی و انتشارات در این حوزه رشد درخور توجهی داشته است. از جمله مجله‌های تخصصی در حوزه باستان‌شناسی می‌توان به مجله مطالعات باستان‌شناسی ایران، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، مجله جستارهای باستان‌شناسی پیش از اسلام، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، مجله انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، باستان‌سنجی، مجله باستان‌شناسی پژوهشکده باستان‌شناسی، مجله باستان‌پژوهی، مجله اثر، مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، و ... اشاره کرد. بیش‌تر این مجله‌ها به زبان فارسی و تعداد اندکی از آن‌ها به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند. انتشار برخی از این مجله‌ها در برهه‌هایی با وقفه مواجه بوده است. علاوه‌بر مجله‌ها، برگزاری همایش‌های تخصصی در حوزه باستان‌شناسی در سال‌های اخیر رشد درخور توجهی داشته است و هر ساله چندین همایش بین‌المللی و داخلی در این زمینه برگزار می‌شود که در کتاب‌های مجموعه مقالات این همایش‌ها شمار قابل‌توجهی مقاله چاپ می‌شود.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۷)، *دانش‌نامه جهان اسلام*، ج ۲۵، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، ذیل مدخل «سیمره»، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- اسدی اوجایی، سیدکمال و دیگران (۱۳۹۸)، «تحلیل پیچیدگی‌های اجتماعی - اقتصادی جوامع فلات مرکزی ایران در هزاره پنجم ق م برپایه فناوری سفال»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، س ۹، ش ۲۰، ص ۲۱-۳۶.
- اسماعیلی، مژگان و حسین علی‌بیگی (۱۳۹۳)، «جغرافیای تاریخی دو ایالت ساسانی ماسبدان و مهرجان‌قذق و چگونگی فتح آن‌ها به دست اعراب مسلمان»، *مزدک‌نامه*، ش ۶، ص ۳۹۱-۴۰۳.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل جایگاه ایالات ماسبدان و مهرجان‌قذق (ایلام) در دوره خلافت عباسی»، *فرهنگ ایلام*، س ۱۶، ش ۴۶-۴۷، ص ۷۴-۵۵.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، ج ۱ و ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
- چریکف، نیل (۱۳۵۸)، *سیاحت‌نامه*، ترجمه آباکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حسین‌زاده ساداتی، جواد (۱۳۹۸)، «نقدی بر کتاب *مقدمه‌ای بر ژنتیک باستان‌شناسی*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۹، ش ۴، ص ۴۵-۶۲.
- حسینی، سیدهاشم، یونس یوسف‌وند، و فرشاد میری (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی نقوش گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی سیمره با نمونه‌های مسجد جامع نایین»، *دوفصل‌نامه علمی - ترویجی پژوهش هنر*، س ۵، ش ۹، ص ۷۱-۸۵.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۷۶)، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت.
- خزرجی، ابودلف (۱۹۶۰)، *الرساله‌الثانیه*، ترجمه و تعلیق از بولگاکف و انس خالدوف، مسکو.
- دومرگان، زاک (۱۳۳۹)، *جغرافیای غرب ایران*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز: چهر.
- راولینسون، هنری (۱۳۳۶)، *سفرنامه هنری راولینسون به لرستان - خوزستان و بختیاری*، ترجمه سکندر امان‌الهی، لرستان: انجمن ادب و قلم.
- عبدی، کامیار (۱۳۹۵)، «شیون بر یک کتاب: چگونه توهم دانش بر جامعه ما سیطره یافته است!»، *باستان‌پژوهی*، س ۹، ش ۱۸-۱۹، ص ۱۴۷-۱۵۶.
- علی‌بیگی، سجاد (۱۳۹۹)، «کوره‌های سفال‌گری، تولید تخصصی، محوطه صنعتی، جامعه خان‌سالار»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۲۰، ش ۶، ص ۲۴۳-۲۷۲.
- زارعی، محمدابراهیم و اکبر شریفی‌نیا (۱۳۹۸)، «بازشناسی و مکان‌یابی شهرهای سیمره، ابن‌هیبره، و هاشمیه (نقدی بر یک مکان‌یابی)»، *دوفصل‌نامه سخن تاریخ*، س ۱۳، ش ۲۹، ص ۶۷-۹۲.

نقدی بر مقاله «نگاهی به حیات اجتماعی شهر ... (یونس یوسفوند) ۱۰۵

زارعی، محمدابراهیم، پیمان منصوری، و سعید منصوری (۱۳۹۱)، «مکان‌یابی ایالت‌های ماسبدان و مهرجان‌قدق براساس متون دوره اسلامی و داده‌های باستان‌شناسی»، *مزدک‌نامه*، تهران: پروین استخری. سعادت، محسن (۱۳۹۴)، *ویژگی‌های شهرسازی دوران تاریخی استان ایلام؛ مکانیزم‌گذرا از دوران ساسانی به دوران اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران. سعادت، محسن و حسین ناصری صومعه (۱۳۹۸)، «نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی»، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، س ۹، ش ۲۲، ص ۱۶۳-۱۸۰. شریفی‌نیا، اکبر و طیبه شاکرمی (۱۳۹۶)، *باستان‌شناسی و تاریخ دره‌شهر (سیمره)*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

عباسی، ایوب (۱۳۸۳)، «از مهرگان‌کدک تا سیمره؛ بررسی تحولات فرهنگی و اجتماعی ناحیه مهرگان‌کدک از ورود اسلام تا سال ۳۵۰ ق»، *فرهنگ ایلام*، ش ۱۸-۱۹، ص ۸۷-۹۳. فریادیان، بهزاد (۱۳۸۸)، *گزارش کاوش در شهر سیمره*، تهران: آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

فیضی، مهسا، نسیم فیضی، و یدالله حیدری باباکمال (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر جریان‌های فرهنگی حاکم بر شکل‌گیری نقوش سفال‌های صدر اسلام سیمره، نمونه موردی: سفال بدون لعاب»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، س ۲، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۵۲.

قره‌چانلو، حسین (۱۳۶۰)، «استان ایلام و عیلام؛ پژوهشی در جغرافیای تاریخی ماسبدان و مهرجان‌قدق»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، دفتر ۳۵-۳۶، ص ۳۱-۵۲.

قوچانی، عبدالله (۱۳۷۳)، «قلمرو حکومت ابونجم بدرین حسنویه با استناد بر سکه‌ها»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۸، ش ۲، ص ۴۶-۶۵.

کام‌بخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۶۸)، *دره‌شهر، مجموعه مقالات شهرهای ایران*، ج ۳، تهران: جهاد دانشگاهی، ص ۳۴-۶۵.

گراوند، مرتضی و محسن زینی‌وند (۱۳۹۲)، «پیش‌نهادی برای محل شهر ساسانی سیمره براساس متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان*، تهران: دانشگاه تهران، ص ۴۷۳-۴۸۴.

لباف‌خانیک، میثم (۱۳۹۶)، «بررسی و نقد کتاب شهرهای ساسانی از منظر تاریخ و باستان‌شناسی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۷، ش ۴، ص ۶۷-۸۰.

لک‌پور، سیمین (۱۳۷۸)، «معرفی خانه اربابی»، در: *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، ارگ بم، ج ۱، به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۱۸۷-۲۱۸.

لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹)، *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر*، تهران: پازینه.

۱۰۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

مبینی، مهتاب، طیبه شاکرمی، و اکبر شریفی‌نیا (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی تزیینات گچ‌بری مسجد سیمره با مسجد نه‌گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، س ۲۳، ش ۱، ص ۶۱-۷۲.

مسعودی (۱۳۴۴)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. مظاهری، خداکرم، محسن زینی‌وند، و بهرام کریمی (۱۳۹۳)، «زوال ولایت مهرجان‌قذق براساس متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی»، مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۴، ش ۲، ص ۸۵-۱۰۲.

مقدسی، محمد بن احمد (۱۹۰۶)، *احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم*، لیدن: بریل.

همو، علی بن حسین (۱۳۴۶)، *التنبیه و الاشراف*، لیدن: بریل.

یعقوبی (۱۳۴۳)، *البلدان*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یوسف‌وند، یونس (۱۳۸۹)، *بررسی باستان‌شناختی شهرهای صدر اسلام در استان ایلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اردبیل: گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی.

یوسف‌وند، یونس و فرشاد کرم‌زاده (۱۳۹۹)، «شهر سیمره از شکل‌گیری تا انقراض؛ مطالعه عوامل مؤثر در مکان‌گزینی، گسترش، و انقراض شهر سیمره»، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، س ۱۰، ش ۲۷، ص ۱۵۱-۱۷۲.

یوسف‌وند، یونس و فرشاد میری (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر تاریخی دره‌شهر با نمونه‌های مسجد جامع ناین»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نگره، ش ۳۹، ص ۳۵-۴۵.

De Morgan, J. (1896), *Recherches Archeologiques I*, Paris: Ernest Leroux.

Kerman: Summary of Field-Seasons 2016-2017", *Archaeology*, vol. 3, no. 4, pp. 93-106.

Mutin, B. and O. Garazhian (2019), "Iranian-French Archaeological Mission in Bam, Roberts, N. J. and S. G. Evans (2013), "The Gigantic Seymareh (Saidmarreh) Rock Avalanche, Zagros - Fold-Thrust Belt, Iran", *Journal of the Geological Society, London*, vol. 170, pp. 685-700.

Schmidt, E. (1940), *Flights over Ancient Cities of Iran*, Chicago: The University of Chicago Press.

Schmidt, E., M. van Loon, and H. H. Curvers (1938), "The Holmes Expedition to Luristan", *Bulletin of the American-Institute for Iranian Art Archaeology*, vol. V, pp. 205-216.

Stein, S. A. (1940), *Old Roudes of Western Iran*, London.